

فراتر از خبر

جنگ، توافق یا ادامه بن بست؟ سناریوهای پیش روی ایران و آمریکا

سعید جعفری

کمتر از یک دقیقه پیش



برخی تحلیلگران احتمال می‌دهند توافق بعدی فقط بتواند دور دیگری از درگیری را مهار کند و اختلاف‌های اصلی را دست‌نخورده بگذارد

وقتی دو ماه پیش مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ، روسای جمهور ایران و آمریکا، یادداشت تفاهمی را امضا کردند که بنا بود به جنگ ۴۰ روزه پایان دهد، برای دو کشور ۶۰ روز زمان در نظر گرفته شد تا درباره برنامه هسته‌ای ایران، رفع تحریم‌ها و رسیدن به یک توافق پایدارتر گفت‌وگو کنند.

حالا این مهلت به پایان رسیده، بی‌آنکه توافقی حاصل شده باشد. آتش‌بس هم عملاً از میان رفته، محاصره دریایی ایران ادامه دارد و تنش در تنگه هرمز همچنان پابرجاست.

این تعلیق، عدم اطمینان و ابهام درباره آینده را برای بسیاری از ایرانیان بیشتر و در عین حال پرسش «بالاخره چه خواهد شد؛ جنگ یا توافق؟» را پررنگ‌تر کرده است.

علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران، شرایط کنونی را مرحله تازه‌ای از «جنگ اراده‌ها» میان تهران و واشینگتن توصیف می‌کند.

آقای واعظ به رادیو فردا می‌گوید: «هم ایران و هم ایالات متحده گمان می‌کنند زمان به نفع آن‌ها حرکت می‌کند و فشار اقتصادی باعث نرم‌تر شدن موضع طرف مقابل خواهد شد بنابراین هر دو طرف منتظرند که فشار بر طرف مقابل عمل کند و نتیجه دلخواه آن‌ها را برآورده سازد».

اما این محاسبه در تهران و واشینگتن شکل متفاوتی دارد. به نظر می‌رسد کاخ سفید امیدوار است که ادامه محاصره دریایی و فشار اقتصادی، جمهوری اسلامی را وادار کند از بخشی از مواضعش به ویژه درباره تنگه هرمز و ترتیب اجرای تعهداتی که دو طرف در تفاهم قبلی بر سر آن اختلاف پیدا کردند، عقب‌نشینی کند.

در تهران اما مقام‌ها امیدوارند که مواردی مثل افزایش هزینه انرژی، اختلال در بازار نفت و نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا بتواند فشار بیشتری به ایالات متحده وارد سازد تا در نهایت ترامپ را به عقب‌نشینی از بخشی از مواضعش وارد کند.

مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران، اما معتقد است «انتظار این‌که یکی از دو طرف زیر این فشار تسلیم شود، همان‌قدر بی‌نتیجه است که در ماه‌های گذشته بوده است».

اما اگر هیچ‌کدام از دو طرف حاضر به عقب‌نشینی نشوند، هزینه حفظ وضع موجود به تدریج بیشتر می‌شود. برای ایران، این هزینه با فشار اقتصادی، محاصره بنادر و خسارت‌هایی که طی ماه‌های گذشته به زیرساخت‌های کشور وارد شده، همراه است. برای آمریکا هم ادامه اختلال در هرمز و بالا ماندن قیمت انرژی بدون هزینه اقتصادی و سیاسی نیست.

برخی ناظران معتقدند همین وضعیت می‌تواند طی هفته‌ها یا ماه‌های آینده یکی از دو طرف را به تغییر روش

هم ایران و هم ایالات متحده گمان می‌کنند زمان به نفع آن‌ها حرکت می‌کند و فشار اقتصادی باعث نرم‌تر شدن موضع طرف مقابل خواهد شد بنابراین هر دو طرف منتظرند که فشار بر طرف مقابل عمل کند و نتیجه دلخواه آن‌ها را برآورده سازد.

علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران

وادار کند.

اگر تهران سطح تنش را بالا ببرد

در روزهای اخیر لحن برخی مقام‌های ایرانی تهاجمی‌تر شده است. رویترز به نقل از یک مقام ارشد ایرانی گزارش داده که اگر تلاش‌های دیپلماتیک در چند هفته آینده نتیجه ندهد، تهران ممکن است از وضعیت فعلی به یک رویکرد نظامی «کاملاً تهاجمی» حرکت کند.

فرماندهان سپاه پاسداران نیز در اظهارات علنی از احتمال تغییر در شیوه پاسخ ایران سخن گفته‌اند. یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه، گفته که اقدامات دفاعی ایران در مرحله بعدی می‌تواند ماهیتی تهاجمی پیدا کند.

البته ممکن است این هشدارها بیشتر بخشی از جنگ روانی و تلاش برای اثرگذاری بر محاسبات طرف مقابل باشند اما صرف‌نظر از نیت مقام‌های ایرانی، به نظر می‌رسد که ادامه این وضعیت تا زمانی می‌تواند به سود تهران باشد که تهران احساس کند فشار بر واشینگتن سریع‌تر از هزینه‌هایی که خود ایران متحمل

می‌شود افزایش پیدا می‌کند. اگر این محاسبه تغییر کند و فشار اقتصادی داخلی زودتر اثر بگذارد، صبر کردن جذابیت کمتری خواهد داشت و گزینه تشدید تنش می‌تواند جدی‌تر شود.

بهنام بن‌طالب‌لو، مدیر ارشد برنامه ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها که از حامیان جنگ و همچنین اعمال فشار بر ایران بوده، چنین احتمالی را جدی می‌داند. او به رادیو فردا می‌گوید: «یکی از سناریوهایی که دولت ترامپ باید برای آن آماده باشد این است که ایران برای برهم زدن ادامه این فشار اقتصادی و محاصره، به تشدید نامتقارن تنش روی بیاورد. ممکن است ایران فشار نظامی بیشتری علیه منافع آمریکا در سراسر منطقه اعمال کند؛ چه منافع سیاسی، چه نظامی، چه انرژی و چه اقتصادی. همچنین ممکن است ایران تنش را به حوزه‌های دیگر بکشانند؛ برای مثال از حملات سایبری استفاده کند یا شرکا و متحدان دیگر آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد».

چنین تشدیددی البته الزاماً با یک حمله بزرگ آغاز نمی‌شود. ایران می‌تواند فشار را مرحله‌به‌مرحله افزایش دهد و از هرمز و حملات محدود منطقه‌ای آغاز شود و به تدریج با توجه به شرایط گسترده‌تر شود.

اما در عین حال میزان آسیب احتمالی وارد شده در طرف آمریکایی می‌تواند آینده معادلات را تعیین کند؛ کشته شدن شمار بیشتری از نظامیان آمریکایی، آسیب جدی به یک پایگاه یا هدف حساس، یا گسترش حملات به زیرساخت‌های انرژی کشورهای منطقه می‌تواند دولت آمریکا را زیر فشار بیشتری قرار دهد تا پاسخی شدیدتر بدهد. در چنین شرایطی، حمله‌ای که در تهران محدود طراحی شده ممکن است آغازگر چرخه دیگری از حمله و پاسخ شود و خطر سوءمحاسبه را افزایش دهد.

واعظ ارزیابی محتاطانه‌تری دارد و می‌گوید: «هرچند ریسک بازگشت به درگیری وجود دارد اما گمان نمی‌کنم این درگیری به معنای جنگ تمام‌عیار باشد چرا که هم مسئله محدودیت ذخایر برخی مهمات آمریکا و هم مخالفت کشورهای حاشیه خلیج فارس با یک دور تازه جنگی گسترده‌تر را باید در ارزیابی‌ها مورد توجه قرار داد».

نوامبر چه تغییری ایجاد می‌کند؟

انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر ممکن است یکی از نقاطی باشد که محاسبات فعلی طرفین را تغییر می‌دهد. برخی ناظران معتقدند مقام‌های ایرانی ممکن است بیش از اندازه روی آسیب‌پذیری ترامپ در برابر قیمت نفت و بنزین حساب کرده باشند؛ به خصوص اگر قیمت‌ها کمتر از برآوردهای اولیه افزایش پیدا کند. ضمن این‌که تردیدهایی در خصوص میزان اهمیت این انتخابات در محاسبات دونالد ترامپ وجود دارد و ممکن است رئیس‌جمهور آمریکا کمتر از آنچه تهران امید دارد حاضر باشد برای پیروزی در این انتخابات از خواسته‌هایش کوتاه بیاید.

یکی از سناریوهایی که دولت ترامپ باید برای آن آماده باشد این است که ایران برای برهم زدن ادامه این فشار اقتصادی و محاصره، به تشدید نامتقارن تنش روی بیاورد. ممکن است ایران فشار نظامی بیشتری علیه منافع آمریکا در سراسر منطقه اعمال کند؛ چه منافع سیاسی، چه نظامی، چه انرژی و چه اقتصادی. همچنین ممکن است ایران تنش را به حوزه‌های دیگر بکشانند.

بهنام بن‌طالب‌لو، مدیر ارشد برنامه ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها

در چنین شرایطی اگر بحران تا بعد از انتخابات ادامه پیدا کند و ترامپ با موقعیت سیاسی قوی‌تری از آن بیرون بیاید، نگرانی کاخ سفید از تأثیر قیمت انرژی و طولانی شدن جنگ بر رای‌دهندگان کمتر خواهد شد.

نتیجه ضعیف جمهوری خواهان می‌تواند محاسبه متفاوتی ایجاد کند و جهت اثر آن را نمی‌توان از حالا با اطمینان پیش‌بینی کرد. هم ممکن است باعث شود ترامپ به سمت بستن پرونده ایران با دادن امتیازات

بیشتر حرکت کند و هم ممکن است برعکس با کنار رفتن ملاحظه انتخابات میان دوره‌ای، رئیس‌جمهور آمریکا را با مانع کمتری برای فشار بیشتر بر ایران روبه‌رو سازد.

آقای طالب‌لو می‌گوید احتمال دارد درگیری نظامی «پیش یا پس از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا در ماه نوامبر» از سر گرفته شود. اما از نظر او شکل‌گیری جنگ سوم تا پیش از پایان دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، تقریباً قطعی به نظر می‌رسد.

اگر تا نوامبر توافقی شکل نگیرد، یکی از عواملی که تهران امروز روی آن حساب کرده، یعنی همان فشار انتخاباتی بر ترامپ، دیگر به همان شکل وجود نخواهد داشت.

اگر دوباره مذاکره کنند

با وجود لحن تند دو طرف، راه دیپلماسی هنوز کاملاً بسته نشده است. تماس‌های غیرمستقیم ادامه دارد و میانجی‌ها نیز تلاش برای حفظ ارتباط میان تهران و واشینگتن را متوقف نکرده‌اند.

آقای واعظ معتقد است دو طرف در نهایت فرمول بهتری از تفاهمی که در ماه ژوئن به آن رسیده بودند در اختیار ندارند. او در این خصوص می‌گوید: «تراژدی این لحظه در این است که نهایتاً طرفین چاره‌ای جز بازگشت به تفاهمی که در ماه ژوئن به دست آورده بودند ندارند. فقط در این میان تخریب بسیاری در ایران صورت گرفته، ایرانیان زیادی کشته شدند، پنج سرباز آمریکایی کشته شدند و اقتصاد جهانی ضرر کرد و نهایتاً طرفین فرمول بهتری برای خروج از این بحران که در آن گرفتار شدند، جز این‌که به همان یادداشت تفاهم برگردند، در اختیارشان نیست».

ارزیابی‌های دیگری نیز رسیدن به یک تفاهم محدود را از یک توافق جامع دست‌یافتنی‌تر می‌دانند. توقف دوباره حملات، پیدا کردن سازوکاری برای تردد در تنگه هرمز و کاهش بخشی از فشار اقتصادی می‌تواند مقدمه‌ای برای مذاکرات طولانی‌تر باشد.

بازگشت به مذاکره به‌خودی‌خود تضمینی برای دوام توافق بعدی نیست. برنامه هسته‌ای همچنان حل نشده، درباره تحریم‌ها اختلاف وجود دارد، هرمز به مذاکرات اضافه شده و دو طرف حتی درباره ترتیب اجرای تعهدات قبلی برداشت یکسانی ندارند.

برخی تحلیلگران احتمال می‌دهند توافق بعدی فقط بتواند دور دیگری از درگیری را مهار کند و اختلاف‌های اصلی را دست‌نخورده بگذارد.

طالب‌لو به توان دیپلماسی برای حل اختلاف‌های بنیادین بدبین است و می‌گوید: «به نظرم احتمال این‌که دیپلماسی بتواند به شکل معناداری اختلاف‌ها را حل کند، تقریباً نزدیک به صفر است». با این حال او کنار گذاشتن کامل مذاکره را هم محتمل نمی‌داند.

در هفته‌های آینده، نشانه‌ای از نزدیک بودن یک توافق جامع دیده نمی‌شود. بازگشت فوری به یک جنگ تمام‌عیار هم تنها مسیر پیش رو نیست.

طرفین همچنان روی استقامت خود و پایان توان طرف مقابل قمار کرده‌اند. قماري که اگر جواب ندهد می‌تواند هزینه‌های سنگینی به همراه داشته باشد. این‌که این وضع چقدر دوام بیاورد، به زمانی بستگی دارد که تهران و واشینگتن حاضرند برای اثر کردن فشار بر طرف مقابل صبر کنند و این‌که پیش از آن، یک درگیری محدود محاسباتشان را تغییر می‌دهد یا خیر.

